خبر

محمدرضا تاجیک:

حزب درون ایران حزب بدون حزب است

● **انصاف‌نیوز:** محمدرضا تاجیک، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره وضعیت تحزب در ایران گفت: «حزب درون ایران حزب بدون حزب است، مثل کافئین بدون کافئین! مثل یوگای بدون یوگا. همان‌طور که یوگا را از منزلت و شأن یک مکتب به پایین کشیدیم و آن را به کنش‌های نازل ورزشی تبدیل کردیم. حزب از آن منزلت رفیعی که داشت، به تعبیر آل‌احمد به پاتوق و محفل دوستانه تبدیل شد. از سوی دیگر به علت استمرار دولت‌های تمرکزگرا احزاب به یک نوع آپارتوس تبدیل شده‌اند؛ چون قدرت در تاریخ معاصر از حالت پاتریمونیالیستی به نو پاتریمونیالیستی و از حالت بناپارتریستی به نئو بناپارتریستی سوق پیدا کرد. به‌همین‌دلیل نیازمند بود تا قدرت خود را به یک شکلی توزیع و تکثیر کند. احزاب هم این وظیفه را برعهده داشتند و به‌مثابه آپارتوس عمل می‌کردند».

او ادامه داد: «در ادبیات سیاسی می‌خوانیم حزب پیچیده‌ترین و حرفه‌ای‌ترین کنش جمعی است که تاکنون بشر تجربه کرده است. به تعبیر دورکیمی بازی حزبی خاص جوامع ارگانیکی است که قبل از اینکه وارد تجربه سیاسی شوند، فرهنگ سیاسی غنی و رشدیافته آنها نشست و رسوب کرده است. در غرب این فرهنگ ایجاد شده است. انسان‌ها و جامعه آماده بازی حزبی می‌شوند. بازی حزبی یعنی بازی تکثر؛ یعنی به رسمیت شناختن تکثر و دگراندیشی؛ اما در جامعه ما احزاب هم در سیرت یک توتالیتر نقش‌آفرینی می‌کنند. در حقیقت تفاوت، تکثر و دگر را پذیرا نیستند؛ بلکه خودشان دگرساز هستند. هیچ دو حزبی در یک اقلیم نمی‌گنجند و با هم رابطه آگونیستی ندارند. عموما در جامعه ما روابط احزاب با هم آنتاگونیستی است؛ یعنی رقابت مدنی با هم ندارند. جمع و جمعیت‌بودگی را با هم تجربه نکردند؛ بلکه قطب‌های متفرقی بودند که در نفی و نهی همدیگر معنا پیدا کردند. به تعبیر زیبای شاملو نافی و عدوی همدیگر بودند. به خاطر اینکه ما قبل از اینکه آن فرهنگ سیاسی را رسوب دهیم، در میوه‌های نارسای باغ دیگران (غربی‌ها) کردیم؛ چون این دگر را در همه زمینه‌ها از خودمان پیشرفته‌تر دیدیم. تلاش کردیم آنچه را او می‌کند، تصحیح کنیم، غافل از اینکه آنچه او می‌کند، مصلح و مزین به یک فرهنگ غنی است که سال‌های سال رسوب و نشت کرده است، بدون اینکه این فرهنگ را ایجاد کنیم، وارد بازی سیاسی شدیم».

او بیان کرد: «بازی محفل‌ها و پاتوق‌ها که دیری نپایید، بازی در قدرت شد، برای اینکه در فضای قدرت سهمی ببرند، وارد بازی حزبی شدند. کسانی که سعی کردند امارتی از احزاب بسازند، خودشان دیکتاتورهای قهاری بودند. احزاب ما از این روی عمدتا فردمحور شد، عمدتا یک شاه کوچک در مرکز احزاب قرار گرفت و دیگران به دور آن طواف کردند. از اینکه از یک نوعی سانتارلیزم دموکراتیک برخوردار باشد، خبری نبود. حتی زمانی که از سانتارلیزم دموکراتیک صحبت می‌شد، یک نوع سانتارلیزمی پیرامون یک فرد یا تعدادی از افراد حاکم بوده است. فرد یا افراد به اشکال گوناگون خودشان را تکرار می‌کردند و ایده‌های خودشان را با ایده‌های حزب یکسان می‌دانستند، اینها احزاب را در جامعه ما شکل دادند. ما فاقد احزاب با حیثیت حزبی به معنی واقعی هستیم. وقتی یک حزب از درون تهی است و فقط یک نام را یدک می‌کشد، نمی‌تواند به یک گفتمان و مانیفست مزین باشد. پس چارچوب حزب به شکل یک ایدئولوژی بروز پیدا می‌کند و پیرامون آن یک هاله قدسی شکل می‌گیرد. به‌همین‌دلیل احزاب ما متصلب و منجمد می‌شود. تاریخ می‌رود و اینها می‌مانند».

محمدجواد حق‌شناس:

احزاب باید بتوانند برنامه‌های خود را به دولت منتقل کنند

● **ایسنا:** محمدجواد حق‌شناس، از اعضای حزب اعتماد ملی، گفت: «در این شرایط کشور، همکاری و همراهی احزاب و دولت می‌تواند به کمک رئیس‌جمهور بیاید. پیشنهاد من این است همان‌طور که رئیس‌جمهور با اقتصاددانان نشست داشت، در اولین فرصت با احزاب هم نشست داشته باشد. همچنین اعضای دولت به‌خصوص وزیر کشور و وزیر خارجه هم به صورت دوره‌ای با جریان‌ها و شخصیت‌های شاخص سیاسی و حزبی نشست داشته باشد. رئیس‌جمهور باید این مأموریت را به اعضای کابینه خود بدهد تا احزاب بتوانند برنامه‌ها، پیشنهادها و انتقادات خود را به دولت منتقل کنند».

این فعال سیاسی همچنین با بیان اینکه فلسفه وجودی احزاب این است که در قدرت سهیم باشند و نسبت به مسائل سیاسی واکنش نشان دهند، اظهار کرد: «اگر تصمیم‌سازان کشور و دولت تصمیمات را در اتاق‌های دربسته و بدون مشورت و جویاشدن جریان‌های سیاسی بگیرند، خودشان ضرر خواهند کرد؛ اما همفکری به احزاب فرصتی برای دولت است و می‌تواند شرایط کشور را بهبود ببخشد».

حق‌شناس مهم‌ترین مسئله کشور را تقویت مشارکت مردم و افزایش امید آنها به صندوق رأی دانست و گفت: «اگر بخواهیم جمهوری اسلامی را خلاصه کنیم، می‌توانیم بگوییم رابطه دولت و مردم و کسب مشروعیت از مردم؛ بنابراین دولت برای بهبود رابطه خود با مردم باید تلاش کند».

عکس: مهدی مریزاد، فارس

مروری بر ۱۵ کابینه بعد از انقلاب

از بازرگان تا روحانی

علی ایوبی

شانزدهمین دولت بعد از انقلاب در راه است. از ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ که مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر، مأمور تشکیل دولت موقت شد، تاکنون ۱۵ کابینه اداره امور کشور را بر عهده داشته‌اند و وزرای آن یا دوره چهارساله خود را طی کرده‌اند یا زودتر از آن برکنار یا استیضاح شده‌اند. در این گزارش مروری داریم بر تمامی وزیرانی که در ۴۲ سال گذشته، چه خوب و چه بد، ایران را مدیریت کرده‌اند.

کابینه موقت مهدی بازرگان

پانزده بهمن ۵۷، چند روزی مانده به پیروزی انقلاب، امام خمینی در حکمی مهدی بازرگان را مأمور کرد تا دولت موقت را تشکیل دهد. کابینه او، ۲۷۵ روز اداره امور کشور را بر عهده داشت و بعد از اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان، نخست‌وزیر و همه وزرا استعفا دادند.

*وزارت آموزش‌وپرورش: غلامحسین شکوهی
*وزارت ارشاد ملی: ناصر میناچی
*وزارت امور اقتصادی و دارایی: علی اردلان
*وزارت امور خارجه: کریم سنجابی/ فروردین ۵۸ استعفا داد و ابراهیم یزدی جایگزین او شد.
*وزارت بازرگانی: رضا صدر
*وزارت بهداری و بهزیستی: کاظم سامی/ یک هفته مانده به استعفای دسته‌جمعی کابینه بازرگان، استعفا داده و از وزارتخانه رفته بود.
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: محمدحسن اسلامی
*وزارت دادگستری: اسدالله مبشری/ تیر ۵۸ استعفا داد و احمد صدر حاج‌سیدجوادی جایگزین او شد.
*وزارت دفاع ملی: احمد مدنی/ تنها دو ماه به‌عنوان وزیر در دولت ماند و کناره‌گیری کرد. بعد از او محمدتقی ریاحی به وزارت رسید که او نیز در مهر ۵۸ استعفا داد و مصطفی چمران به وزارت رسید.
*وزارت راه و ترابری: یوسف طاهری
*وزارت صنایع و معادن: محمود احمدزاده
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: علی شریعتمداری/ از مهر ۵۸ حسن حبیبی جایگزین او شد.
*وزارت فرهنگ و هنر: پرویز ورجاوند
*وزارت کار و امور اجتماعی: داریوش فروهر/ از مهر ۵۸ به‌عنوان وزیر سیار و نماینده دولت بازرگان در امور کردستان مشغول و علی اسپهبدی جایگزین او شد.
*وزارت کشاورزی و عمران روستایی: علی‌محمد ایزدی
*وزارت کشور: احمد صدر حاج‌سیدجوادی/ از تیر ۵۸ به وزارت دادگستری رفت و هاشم صباغیان جایگزین او شد.
*وزارت مسکن و شهرسازی: مصطفی کتیرایی
*وزارت نفت: علی‌اکبر معین‌فر
*وزارت نیرو: عباس تاج

کابینه موقت شورای انقلاب

بعد از استعفای دولت مهدی بازرگان، «هیئت دولت موقت شورای انقلاب» اداره کشور را تا مرداد سال ۵۹ و برگزاری اولین انتخابات ریاست‌جمهوری بر عهده داشت.

*وزارت آموزش‌وپرورش: محمدعلی رجایی
*وزارت ارشاد ملی: ناصر میناچی
*وزارت امور اقتصادی و دارایی: ابوالحسن بنی‌صدر
*وزارت امور خارجه: صادق قطب‌زاده
*وزارت بازرگانی: رضا صدر
*وزارت بهداری و بهزیستی: موسی زرگر/ در تیر ۵۹ جای خود را به ایرج فاضل داد.
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: محمود قندی
*وزارت دفاع ملی: مصطفی چمران
*وزارت راه و ترابری: موسی کلانتری
*وزارت صنایع و معادن: محمود احمدزاده
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: حسن حبیبی
*وزارت کار و امور اجتماعی: محمدرضا نعمت‌زاده
*وزارت کشاورزی و عمران روستایی: عباس شیبانی
*وزارت کشور: اکبر هاشمی‌رفسنجانی/ تا اسفند سال ۵۸ به‌عنوان سرپرست بود و سپس جای خود را به محمدرضا مهدوی‌کنی داد.
*وزارت مسکن و شهرسازی: محسن یحیوی
*وزارت نفت: علی‌اکبر معین‌فر
*وزارت نیرو: حسن عباسپور

کابینه محمدعلی رجایی

بعد از پیروزی ابوالحسن بنی‌صدر در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری، دولت او از پانزدهم بهمن سال ۵۸ مشغول به کار شد. محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر این دولت بود و اعضای کابینه را انتخاب کرد. دولت بنی‌صدر بعد از برکناری او از سوی مجلس شورای اسلامی در ۳۱ خرداد سال ۶۰ منحل شد.

*وزارت آموزش‌وپرورش: محمدجواد باهنر
*وزارت ارشاد ملی: عباس دوزدوزانی
*وزارت امور اقتصاد و دارایی: حسین نمازی
*وزارت امور خارجه: تا تیر ۶۰، محمدکریم خداپناهی و محمدعلی رجایی به‌عنوان سرپرست این وزارتخانه بودند، بعد از آن میرحسین موسوی وزیر شد.
*وزارت دفاع: جواد فکوری
*وزارت بازرگانی: تا اسفند سال ۵۹ محمدصادق اسلامی به‌عنوان معاونت هماهنگی پارلمانی وزارت بازرگانی، کار این وزارتخانه را انجام می‌داد و بعد از آن کاظم پوراردبیلی وزیر شد.
*وزارت بهداری: هادی منافی
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: تا هفتم شهریور سال ۶۰ محمود قندی وزیر بود، اما بعد از شهادت در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، غلامحسین دلجو سرپرست این وزارتخانه شد.
*وزارت دادگستری: ابراهیم احدی/ دی‌ماه سال ۵۹ استعفا داد و محمد اصغری جایگزین او شد.
*وزارت دفاع ملی: جواد فکوری
*وزارت راه و ترابری: موسی کلانتری/ تیر سال ۶۰ در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.
*وزارت صنایع و معادن: محمدرضا نعمت‌زاده
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: حسن عارفی
*وزارت کار و امور اجتماعی: میرمحمد صادقی
*وزارت کشاورزی و عمران روستایی: محمد سلامتی
*وزارت کشور: محمدرضا مهدوی‌کنی
*وزارت مسکن: محمدشهاب گنابادی
*وزارت نفت: جواد تندگویان/ در آبان سال ۵۹ در جنوب کشور به اسارت نیروهای ارتش عراق درآمد و بعد از او محسن سادات به سرپرستی این وزارتخانه گمارده شد.
*وزارت نیرو: حسن عباسپور/ در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تیر سال ۶۰ به شهادت رسید و محمود مقدم به‌عنوان سرپرست معرفی شد.

کابینه محمدجواد باهنر

دوم مرداد سال ۶۰، دومین انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد و محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور شد و از ۱۲ مرداد کار خود را آغاز کرد. او محمدجواد باهنر را به‌عنوان نخست‌وزیر خود برگزید و مأمور تشکیل کابینه کرد. این دولت تنها ۲۸ روز سر کار بود و رجایی و باهنر در انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور به شهادت رسیدند.

*وزارت آموزش‌وپرورش: سیدعلی‌اکبر پرورش
*وزارت ارشاد ملی: عبدالمجید معادیخواه
*وزارت امور اقتصادی و دارایی: حسین نمازی
*وزارت امور خارجه: میرحسین موسوی
*وزارت بازرگانی: حبیب‌الله عسگراولادی
*وزارت بهداری: هادی منافی
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: مرتضی نبوی
*وزارت دادگستری: محمد اصغری
*وزارت دفاع ملی: موسی نامجو
*وزارت راه و ترابری: احمد امری
*وزارت صنایع و معادن: مصطفی هاشمی‌طبا
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: محمدعلی نجفی
*وزارت کار و امور اجتماعی: محمد میرمحمدصادقی
*وزیر کشاورزی و عمران روستایی: محمد سلامتی
*وزارت کشور: محمدرضا مهدوی‌کنی
*وزارت مسکن و شهرسازی: محمدشهاب گنابادی
*وزارت نفت: محمد غرضی
*وزارت نیرو: حسن غفوری‌فرد

کابینه موقت محمدرضا مهدوی‌کنی

چند روز بعد از انفجار دفتر نخست‌وزیری، در یازدهم شهریور، محمدرضا مهدوی‌کنی مأمور شد به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقتی تشکیل دهد. این دولت تا هفتم آبان و انتخاب رئیس‌جمهور جدید بر سر کار بود.

*وزارت آموزش و پرورش: سیدعلی‌اکبر پرورش
*وزارت ارشاد ملی: عبدالمجید معادیخواه
*وزارت امور اقتصادی و دارایی: حسین نمازی
*وزارت امور خارجه: میرحسین موسوی
*وزارت بازرگانی: حبیب‌الله عسگراولادی
*وزارت بهداری: هادی منافی
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: مرتضی نبوی
*وزارت دادگستری: محمد اصغری
*وزارت دفاع ملی: موسی نامجو
*وزارت راه و ترابری: محمدهادی نژادحسینیان
*وزارت صنایع و معادن: مصطفی هاشمی‌طبا
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: محمدعلی نجفی
*وزارت کار و امور اجتماعی: محمد میرمحمدصادقی
*وزیر کشاورزی و عمران روستایی: محمد سلامتی
*وزارت کشور: کمال‌الدین نیک‌روش
*وزارت مسکن و شهرسازی: محمدشهاب گنابادی
*وزارت نفت: محمد غرضی
*وزارت نیرو: حسن غفوری‌فرد

کابینه اول میرحسین موسوی

سومین انتخابات ریاست‌جمهوری در دهم مهر سال ۶۰ برگزار شد و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شد. میرحسین موسوی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب و مأمور تشکیل کابینه شد. دولت اول موسوی از هفتم آبان ۶۰ تا ۲۱ مهر ۶۴ اداره امور کشور را بر عهده داشت.

*وزارت آموزش‌وپرورش: علی‌اکبر پرورش/ از مهر سال ۶۳ کاظم اکرمی جایگزین او شد.
*وزارت ارشاد اسلامی: عبدالمجید معادیخواه/ کمتر از یک سال بعد جای خود را به محمد خاتمی داد.
*وزارت اطلاعات: محمدی ری‌شهری
*وزارت اقتصاد و دارایی: حسین نمازی
*وزارت امور خارجه: علی‌اکبر ولایتی
*وزارت بازرگانی: حبیب‌الله عسگراولادی/ مرداد ۶۲ جای خود را به حسن عابدی‌جعفری داد.
*وزیر برنامه و بودجه: مسعود روغنی‌زنجانی
*وزارت بهداری: هادی منافی/ برای دور دوم به مجلس معرفی شد، اما رأی اعتماد نیاورد و علیرضا مرندی جایگزین او شد.
*وزیر دادگستری: سیدمحمد اصغری/ مرداد ۶۳ جای خود را به حسن حبیبی داد.
*وزارت جهاد سازندگی: بیژن نامدارزنگنه
*وزارت دفاع: محمد سلیمی/ مرداد ۶۳ جای خود را به محمدرضا رحیمی داد.
*وزارت راه و ترابری: هادی نژادحسینیان/ اسفند ۶۳ جای خود را به ابوالحسن خاموشی به‌عنوان سرپرست وزارتخانه داد.
*وزرات صنایع: مصطفی هاشمی‌طبا/ در مرداد ۶۳ جای خود را به غلامرضا شافعی داد.
*وزارت سپاه: محسن رفیق‌دوست
*وزارت صنایع سنگین: بهزاد نبوی
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: محمدعلی نجفی/ مرداد ۶۳ جای خود را به ایرج فاضل داد.
*وزارت کار و امور اجتماعی: احمد توکلی/ مرداد ۶۲ استعفا داد و ابوالقاسم سرحدی‌زاده به جای او به وزارت رسید.
*وزارت کشاورزی: محمد سلامتی/ از آذر سال ۶۲ عباسعلی زالی به جای او نشست.
*وزارت کشور: علی‌اکبر ناطق‌نوری
*وزارت مسکن و شهرسازی: محمدشهاب گنابادی/ از مرداد سال ۶۳ سراج‌الدین کازرونی وزیر شد.
*وزارت معادن و فلزات: حسین موسویانی/ از آذر ۶۲ حسین نیلی به جای او نشست.
*وزارت نفت: سیدمحمد غرضی
*وزارت نیرو: حسن غفوری‌فرد

کابینه دوم میرحسین موسوی

دولت دوم میرحسین از ۲۱ مهر سال ۶۴ تا ۲۵ مرداد سال ۶۸ اداره امور کشور را بر عهده داشت. به دلیل هم‌زمانی دولت‌های او با دوران جنگ، دولت‌های میرحسین به «دولت جنگ» معروف شد.

*وزارت آموزش‌وپرورش: سیدکاظم اکرمی/ از شهریور سال ۶۷ محمدعلی نجفی وزیر شد.
*وزارت اطلاعات: آیت‌الله محمدی ری‌شهری
*وزارت امور اقتصادی و دارایی: محمدجواد ایروانی
*وزارت بازرگانی: حسن عابدی‌جعفری/ از خرداد ۶۸ مجتبی خسروتاج وزیر شد.
*وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: علیرضا مرندی
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: محمد غرضی
*وزارت جهاد سازندگی: بیژن نامدارزنگنه/ از شهریور ۶۷ غلامرضا فروزش به جای او وزیر شد.
*وزارت دادگستری: حسن حبیبی
*وزارت راه و ترابری: هادی نژادحسینیان
*وزارت سپاه: محسن رفیق‌دوست/ از شهریور ۶۷ علی شمخانی وزیر شد.
*وزارت صنایع: غلامرضا شافعی
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: ایرج فاضل
*وزارت کار و امور اجتماعی: ابوالقاسم سرحدی‌زاده
*وزارت کشاورزی: عباسعلی زالی/ از شهریور ۶۷ عیسی کلانتری وزیر شد.
*وزارت کشور: علی‌اکبر محتشمی‌پور
*وزارت مسکن و شهرسازی: سراج‌الدین کازرونی
*وزارت معادن و فلزات: حسین نیلی
*وزارت نفت: غلامرضا آقازاده
*وزارت نیرو: محمدتقی بانکی/ از شهریور ۶۷ وزارت به بیژن زنگنه رسید.

کابینه اول اکبر هاشمی‌رفسنجانی

بعد از تغییر قانون اساسی در سال ۶۸، عنوان نخست‌وزیری حذف شد و شخص رئیس‌جمهور مأمور تشکیل کابینه شد. دولت اول اکبر هاشمی‌رفسنجانی از ۲۵ مرداد ۶۸ تا ۱۲ مرداد سال ۷۲ بر سر کار بود.

*وزارت آموزش‌وپرورش: محمدعلی نجفی
*وزارت اطلاعات: علی فلاحیان
*وزارت اقتصاد و دارایی: محسن نوربخش
*وزارت امور خارجه: علی‌اکبر ولایتی
*وزارت بازرگانی: عبدالحسین وهاجی
*وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: ایرج فاضل/ از اسفند ۶۹ رضا ملک‌زاده وزیر شد.
*وزارت تعاون: غلامرضا شافعی
*وزارت جهاد سازندگی: غلامرضا فروزش
*وزارت دادگستری: اسماعیل شوشتری
*وزارت دفاع و پشتیبانی: اکبر ترکان
*وزارت صنایع سنگین: محمدهادی نژادحسینیان
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: مصطفی معین
*وزارت کار و امور اجتماعی: حسین کمالی
*وزارت کشاورزی: عیسی کلانتری
*وزارت کشور: عبدالله نوری
*وزارت معادن و فلزات: حسین محلوجی
*وزارت مسکن و شهرسازی: سراج‌الدین کازرونی
*وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: محمد خاتمی/خرداد سال ۷۱ استعفا داد و علی لاریجانی وزیر شد.
*وازرت صنایع: محمدرضا نعمت‌زاده
*وزارت راه و ترابری: محمد سعیدی‌کیا
*وزارت نیرو: بیژن نامدارزنگنه

کابینه دوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی

هاشمی‌رفسنجانی بعد از پیروزی دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری از ۱۲ مرداد ۷۲ تا ۱۲ مرداد سال ۷۶ سکاندار دولت بود. دو دولت او به «دولت سازندگی» معروف شد.

*وزارت معادن و فلزات: حسین محلوجی
*وزارت مسکن و شهرسازی: عباس احمد آخوندی
*وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: علی لاریجانی/ در بهمن ۷۲ به ریاست سازمان صداوسیما رسید و مصطفی میرسلیم جایگزین او شد.
*وزارت صنایع : محمدرضا نعمت‌زاده
*وزارت راه و ترابری: اکبر ترکان
*وزارت آموزش‌وپرورش: محمدعلی نجفی
*وزارت امور اقتصاد و دارایی: مرتضی محمدخان
*وزارت بازرگانی: یحیی آل‌اسحاق
*وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: علی‌رضا مرندی
*وزارت پست و تلگراف و تلفن: سیدمحمد غرضی
*وزارت دادگستری: اسماعیل شوشتری
*وزارت دفاع و پشتیبانی: محمد فروزنده
*وزارت فرهنگ و آموزش عالی: سیدمحمدرضا هاشمی‌گلپایگانی
*وزارت کشور: علی‌محمد بشارتی
*وزارت جهاد سازندگی: غلامرضا فروزش

کابینه اول محمد خاتمی

در دوم خرداد سال ۷۶، محمد خاتمی به ریاست‌جمهوری رسید و از ۱۲ مرداد آن سال تا ۱۲ مرداد ۸۰، دولت اول او اداره امور را بر عهده داشت.

*وزارت آموزش‌وپرورش: حسین مظفر
*وزارت اطلاعات: قربانعلی دری‌نجف‌آبادی/ بهمن سال ۷۷ در پی افشای قتل‌های زنجیره‌ای استعفا داد و علی یونسی جایگزین او شد.
*وزارت امور خارجه: کمال خرازی
*وزارت بازرگانی: محمد شریعتمداری
*وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: محمد فرهادی
*وزارت پست، تلگراف و تلفن: محمدرضا عارف/ از خرداد ۷۹ به ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انتخاب و احمد معتمدی جایگزین او شد.
*وزارت تعاون: مرتضی حاجی
*وزارت جهاد سازندگی: محمد سعیدی‌کیا
* وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: علی شمخانی
*وزارت راه و ترابری: محمود حجتی/ دی‌ماه سال ۷۹ جای خود را به رحمان دادمان داد. دادمان در اردیبهشت سال ۸۰ بر اثر سانحه هوایی درگذشت.
*وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: عطاءالله مهاجرانی/ یک بار استیضاح شد اما در آذر سال ۷۹ استعفا داد و احمد مسجدجامعی به جای او وزیر شد.
*وزارت کشور: عبدالله نوری/ خرداد سال ۷۷ از طرف مجلس پنجم استیضاح و برکنار و عبدالواحد موسوی‌لاری جایگزین او شد.
*وزارت مسکن و شهرسازی: علی عبدالعلی‌زاده
*وزارت معادن و فلزات: اسحاق جهانگیری
*وزارت نفت: بیژن نامدارزنگنه
*وزارت نیرو: حبیب‌الله بیطرف

کابینه دوم محمد خاتمی

محمد خاتمی در ۱۸ خرداد سال ۸۰ دوباره به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد و کابینه او از ۱۲ مرداد آن سال تا ۱۲ مرداد سال ۸۴ کشور را اداره کرد. دو دولت خاتمی به «دولت اصلاحات» معروف شد.

* وزارت آموزش‌وپرورش: مرتضی حاجی
*وزارت اطلاعات: علی یونسی
*وزارت امور اقتصادی و دارایی : طهماسب مظاهری/ از اردیبهشت سال ۸۳ صفدر حسینی جایگزین او شد.
*وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشک: مسعود پزشکیان
*وزارت پست و تلگراف و تلفن: احمد معتمدی
*وزارت تعاون: علی صوفی
*وزارت جهاد کشاورزی: محمود حجتی
*وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: علی شمخانی
* وزارت راه و ترابری: احمد خرم/ مهر سال ۸۳ استیضاح و برکنار شد و محمد رحمتی به وزارت رسید.
*وزارت صنایع و معادن: اسحاق جهانگیری
*وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: مصطفی معین/ شهریور سال ۸۲ استعفا داد و جعفر توفیقی جایگزین او شد.
*وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: احمد مسجدجامعی
*وزارت کار و امور اجتماعی: صفدر حسینی/ در اردیبهشت سال ۸۲ به وزارت امور اقتصادی و دارایی رفت و ناصر خالقی جایگزین او شد.
*وزارت کشور: عبدالواحد موسوی‌لاری
*وزارت نیرو: حبیب‌الله بیطرف

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

کرونا و تبعیض طبقاتی

... و سبک زندگی محرومانه آنها وضعیت مناسب‌تری برای حضور عوامل بیماری‌زا فراهم کرده است و فاصله فیزیکی ناشی از ساختار طبقاتی انعکاس‌یافته در توزیع جغرافیایی جمعیت، شرایطی را فراهم می‌کرده که برای اقشار فرادست عملا آنچه بر سر فرودستان می‌آمده، چندان اهمیتی نیز نداشته است. شاید این بیان اسنودن به نظر درباره بیماری کرونا آن هم در شهرهای پرجمعیتی مانند تهران که فاصله‌گیری اجتماعی مبتنی بر تمایز طبقاتی امکان‌ناپذیر است، به نظر نامرتبط باشد؛ اما تصور می‌کنم ابعاد فرهنگی مسئله از بعد بیولوژیک آن مهم‌تر است. اگر طبقات فرادست، بیماری را در نظام معنایی خود به عناصر غیربیولوژیکی مثل فقر مادی یا سبک زندگی فقیرانه در طبقات فرودست گره بزنند، آن‌گاه طبقات فرودست را به دلیل ویژگی‌های فرهنگی مستحق و سزاوار بیماری ارزیابی خواهند کرد و این شیوه‌ای است که دارندگان در توجیه بی‌عدالتی در توزیع منابع همواره از آن بهره برده‌اند: «من حق دارم واکسینه شوم، نه به خاطر اینکه توان مالی پرداخت آن را دارم؛ بلکه به خاطر فضیلت‌هایی که دارم و من را از دیگرانی که فاقد آن فضیلت‌ها هستند، متمایز می‌کند، آن دیگران سزاوار بیماری هستند، نه به دلیل اینکه توان مالی پرداخت ندارند؛ بلکه به خاطر رذیلت‌هایی که دچار آن‌اند».

۲- دیوید هاروی، اقتصاددان چپ‌گرای دانشگاه نیویورک، معتقد است «کرونا هم مثل هر رویداد دیگری تبعیض‌های جنسیتی، طبقاتی و قومی را بیشتر می‌کند». کارگرهای یقه آبی از طبقات فرودست - کارگران صنعتی و ساختمانی، خدمتکارها، پیک‌های موتوری، دستفروش‌ها و...- کسانی هستند که بیشترین آسیب را از سیاست‌های فاصله‌گذاری اجتماعی می‌بینند. آنها که ماهیت کارشان با حضور فیزیکی در محل کار گره خورده است، در فقدان تأمین اجتماعی کارآمد، با ازدست‌دادن شغل یا کاهش درخورتوجه درآمد روبه‌رو می‌شوند. کسانی که می‌توانند دورکاری کنند، از کارگران یقه‌سفید - کارمندان و کارشناسان اداری- در طبقه متوسط هستند و مدیران نیز که از شرایط قرنطینه لاکچری و اختصاصی برخوردارند. در روزهای ابتدایی محدودیت‌های کرونا، درست در زمانی‌که عموم جامعه با کمبود آشکار ماسک و مواد شوینده روبه‌رو بود، ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی از اِعمال پروتکل‌های بهداشتی در شرکت‌های خصوصی به سبکی لاکچری منتشر شد که نشان می‌داد حتی ترس از بیماری و توانایی مقابله با آن نیز می‌تواند ابزاری در نمایش تمایز باشد. طبقه اقتصادی می‌تواند تعیین‌کننده میزان آسیب‌پذیری فرد در مقابل یک بیماری باشد. اگر شما کارگری از طبقات فرودست باشید، نه‌فقط کاهش درآمد و تهدید فرصت شغلی به معیشت شما آسیب می‌زند؛ بلکه به دلیل الزام حضور فیزیکی در محل کار، استفاده از وسایل نقلیه عمومی، کم‌توانی در تهیه اقلام بهداشتی مربوط به پیشگیری و نیز تأمین هزینه‌های درمانی در مقابل ابتلا به بیماری و فوت ناشی از آن در معرض آسیب بیشتری نسبت به طبقات فرادست قرار خواهید داشت. این جدای از آسیب‌های اجتماعی ناشی از همه‌گیری کرونا است که تنها درباره کودکان در طبقات فرودست، افزایش آمار «تعداد کودکان کار»، «گرسنه‌خوابی کودکان»، «ترک تحصیل» و «ازدواج کودکان» مواردی رسما گزارش شده است.

۲- در سازوکارهای جهان امروز، دولت مهم‌ترین و چه بسا تنها نهاد متولی خیر عمومی در اجتماعات انسانی است. نسبتی که نهاد دولت با نهادهای بازار و جامعه مدنی برمی‌سازد، گونه‌های مختلف رژیم‌های اقتصاد سیاسی را شکل می‌دهد. لیبرالیسم، کنترل دولت از سوی جامعه مدنی با استفاده از بازار است؛ سوسیالیسم، کنترل بازار از سوی جامعه مدنی با استفاده از دولت است؛ فاشیسم، کنترل جامعه مدنی از سوی دولت با ائتلاف بازار است. در کمونیسم، دولت هر دو نهاد بازار و جامعه مدنی را در درون خود هضم می‌کند و در سرمایه‌داری نئولیبرال نیز بازار، دولت را به زائده خود تقلیل می‌دهد؛ اما در همه این انواع کلاسیک، دولت تعهداتی بیشینه یا کمینه به خیر عمومی دارد که نمی‌تواند آن را انکار یا از زیر بار آن شانه خالی کند، با این تفاوت که در انواع اقتدارگرایانه که تجلی رویکرد ارگانیک به دولت است، خیر عمومی با ارجاع به ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی جمعی توجیه شود و در انواع دموکراتیک که تجلی رویکرد ابزاری به دولت است، خیر عمومی با ارجاع به حقوق فردی معنا یابد. مشخصا از آنجا که در جمهوری اسلامی رابطه سه نهاد دولت، بازار و جامعه درگیر ابهامات اساسی است، این نظام سیاسی مصداق هیچ‌یک از انواع کلاسیک پیش‌گفته نیست. این نظام سیاسی حتی مصداق انواع اقتدارگرایی سنتی مبتنی بر رویکردی اندام‌واره به دولت نیز نیست. این نظمی ترکیبی از همه انواع سنتی و مدرن است که معایب همه را در خود جمع کرده و از فواید هریک بی‌بهره است. آنجا که بحث مداخله سیاسی در همه شئون زیست اجتماعی است، از انواع چپ رادیکال نیز افراطی‌تر است و آنجا که موضوع تولید کالای عمومی، تأمین اجتماعی و ارائه خدمات در پیش است، تعهداتش فروتر از نئولیبرال‌ترین نظام‌های سرمایه‌داری است.

ادامه در صفحه ۴